

فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی
دوره ۱۴، شماره ۱ (پیاپی ۴۶)، بهار ۱۳۹۸
شاپای چاپی ۵۹۶۸-۲۵۳۸ شاپای الکترونیکی ۵۹۵۵-۲۵۳۸
<http://jshsp.iurasht.ac.ir>
صص. ۱۸-۱

تبیین نقش سیاست‌گذاری‌های حمایتی زراعی در تحولات اقتصادی روستاهای شهرستان ماسال بعد از انقلاب اسلامی

محمد شیرزاد وزمتر- دانش‌آموخته دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران
تیمور آمار* - دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران
نصراله مولائی هاشجین - استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران
محمدصادق اللهیاری - دانشیار مدیریت کشاورزی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۲/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۰۱

چکیده

تدوین سیاست‌گذاری‌های اصولی از جمله مسائل مهم کشاورزی است که با توجه به جمعیت روستایی کشور و تخصصی شدن تولیدات کشاورزی در شکوفایی اقتصاد و توسعه کشاورزی نقش به‌سزایی دارد. پژوهش حاضر در صدد بررسی نقش سیاست‌گذاری‌های حمایتی زراعی در تحولات اقتصادی روستاهای شهرستان ماسال بعد از انقلاب اسلامی و ارائه راهکارهایی برای بهبود وضعیت این سیاست‌گذاری‌های در شهرستان ماسال، تحولات و حفظ کاربری زمین، آشنایی کشاورزان با روش‌های جدید کشاورزی، افزایش میزان تولید در واحد سطح و در نتیجه افزایش درآمد، کاهش هزینه‌ها و ارتقای سطح زندگی آن‌ها می‌باشد. شهرستان ماسال دارای پتانسیل زیادی در زمینه فعالیت‌های زراعی می‌باشد. اما متأسفانه در برنامه‌های توسعه و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی به بخش زراعی این شهرستان بسیار کم توجهی شده، که ضرورت توجه به بخش کشاورزی در برنامه‌های توسعه و ضرورت جهت‌گیری اهداف طرح‌های پژوهشی را به این بخش ایجاب می‌کند. روش بررسی در این پژوهش مبتنی بر رویکرد توصیفی - تحلیلی می‌باشد. داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز از طریق روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی گردآوری شده است. جهت بررسی وضعیت سیاست‌گذاری‌های حمایتی زراعی از شاخص‌هایی مانند: عامل موقعیت، سطح اجرا، فاصله و دوری یا نزدیکی به مراکز بازاری استفاده شده است. نتایج حاصل از این پژوهش بیانگر این است که اعمال سیاست‌گذاری‌های حمایتی زراعی باعث حفظ ۵۲/۱۸ درصد کاربری اراضی زراعی، افزایش ۲ برابری سطح کشت دوم نسبت به سال ۱۳۸۰، افزایش درآمد و کاهش ۲۵ درصدی هزینه‌ها در روستاهای شهرستان ماسال شده است.

کلیدواژه‌ها: سیاست‌گذاری حمایتی، توسعه زراعی، تحولات اقتصادی، روستاهای شهرستان ماسال

نحوه استناد به مقاله:

شیرزاد وزمتر، محمد، آمار، تیمور، مولائی هاشجین، نصرالله، اللهیاری، محمدصادق. (۱۳۹۸). تبیین نقش سیاست‌گذاری‌های حمایتی زراعی در تحولات اقتصادی روستاهای شهرستان ماسال بعد از انقلاب اسلامی. *مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۱۴(۱)، ۱-۱۸.

http://jshsp.iurasht.ac.ir/article_665119.html

مقدمه

کارکرد اصلی مناطق روستایی در جهان سوم، کشاورزی است و به دلیل تأثیر ویژه آن بر اشتغال، تعدیل فقر و درآمد، امنیت غذایی و خودکفایی، از اهمیت بالایی برخوردار است (Shayan, 2010: 151). رشد بخش کشاورزی به عنوان بستری برای کسب اهداف توسعه در کشورهای در حال توسعه امری ضروری قلمداد می‌شود. به این ترتیب، بخش کشاورزی به طور مستقیم از طریق تولید بیش‌تر و صادرات و به صورت غیرمستقیم از طریق افزایش تقاضا برای خدمات و کالاهای صنعتی در جوامع روستایی، به رشد اقتصادی کمک نموده و در نتیجه موجب خلق فرصت‌های شغلی جدید می‌گردد (Falsaphyan & Ghahramanzadeh, 2010). توسعه کشاورزی و آینده آن دل‌مشغولی بسیاری از سیاست‌گذاران کشور و متخصصان توسعه است و متولیان امر در چند دهه اخیر تلاش‌های بسیاری برای ارتقای این بخش انجام داده‌اند (Briedenhann & Wicknes, 2004: 71). از این رو صاحب‌نظران و سیاست‌گذاران متعدد بخش کشاورزی بر این باورند که تأمین غذای جامعه نیازمند توازن میان جمعیت کشور و منبع طبیعی از یک طرف و ایجاد سیاست‌گذاری‌های کشاورزی و جمعیتی از طرف دیگر است (Nasimi, 2004: 2). ظاهراً دولت‌ها در بیشتر مناطق در حال توسعه سیاست‌هایی را برای ارتقاء و توسعه بخش کشاورزی اتخاذ می‌کنند ولی اکثر این سیاست‌ها به انگیزه‌های اقتصادی انحرافی منجر می‌شود و در واقع سیاست‌گذاری‌های روستایی و کشاورزی آن‌ها دلیل اصلی توسعه‌نیافتگی کشاورزی است (Shakori, 2005: 62). موقعیت اقتصادی هر سرزمین، وابسته به کارکرد بخش‌های اقتصادی آن سرزمین (کشاورزی، صنعت و خدمات) است. این کارکرد در پرتو ترکیب بهینه قدرت تولیدی سرزمین شکل می‌گیرد. امکان آن وجود دارد که هر سرزمینی، در زمینه‌ای خاص، از قدرت تولیدی مناسب و پرتوان برخوردار باشد. لذا توجه به توان تولیدی و کارا کردن آن، زمینه‌های مناسبی را برای بهره‌وری‌های اقتصادی به وجود می‌آورد. نگرش در کارکرد بخش‌های اقتصادی کشور، حاکی از موقعیت مناسب بخش کشاورزی در اقتصاد ایران است (Motiee Langrodi, 2005: 81-82). بنابراین بایستی در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها توجه ویژه به بخش کشاورزی صورت پذیرد. سیاست کشاورزی دخالت دولت به منظور سازمان‌دهی به شرایط فنی و اجتماعی تولیدات کشاورزان و یا تظاهر هر خواست سیاسی دولت در تغییر شکل کشاورزی ضمن مدنظر داشتن روابط قدرت معمول جامعه است. به طوری که با این دخالت، اهداف مختص کشاورزی را با وسایل عادی، مالی و نهادی ممکن می‌سازد و ترتیباتی را با توزیع درآمدهای حاصله از آن جهت افزایش بهره‌وری کشاورزی اتخاذ می‌کند (Nasimi, 2003: 12).

سیاست‌هایی حمایتی، سیاست‌هایی هستند که دولت جهت افزایش درآمد گروه خاص از تولیدکنندگان محصولات کشاورزی و امنیت غذایی و نیز توسعه کشاورزی اتخاذ می‌کند. سیاست‌های حمایتی با دو هدف کاهش هزینه تولید و افزایش درآمد کشاورزان اجرا می‌شوند. سیاست‌گذاری‌های حمایتی زراعی از اهمیت و جایگاه راهبردی در فرآیند سیاست‌گذاری توسعه کشاورزی برخوردار است. به طوری که با اتخاذ رویکردها و راه‌حل‌های مناسب در بخش کشاورزی شهرستان ماسال با توجه به پتانسیل موجود زمینه برای رونق فعالیت‌های کشاورزی و تجاری سازی محصولات و اتصال بازارهای خرد و کوچک محلی به نظام اقتصاد جهانی امکان پذیر می‌باشد. در شهرستان ماسال، کشاورزی مهم‌ترین فعالیت اقتصادی است که می‌توان با سیاست‌گذاری‌های صحیح و بهره‌بردارانه بهینه از امکانات موجود به تعادل و توسعه حیات روستایی کمک کرد. در بین زیر بخش‌های کشاورزی، بخش زراعت (محصول برنج) به عنوان فعالیت غالب در این شهرستان مطرح می‌باشد. در این که برای رونق فعالیت‌های زراعی در شهرستان تلاش‌های زیادی شده است شکی نیست، اما آنچه که ماهیت و علت وجودی این پژوهش را معنادار می‌سازد، پیدایش مسأله سیاست‌های اتخاذ شده در بخش کشاورزی و خصوصاً زراعت است. زیرا برای شناخت بهتر و به دنبال آن مدیریت کارآمدتر و اتخاذ تصمیمات کاربردی و هدفمند در حوزه کشاورزی و خصوصاً زراعت، نیازمند شناخت این حوزه و نقد و بررسی سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی و در حال اجرا می‌باشد. سیاست‌گذاری‌های حمایتی زراعی در این تحقیق از لحاظ عواملی مانند: عامل جمعیت، موقعیت، سطح اجرا و دوری یا نزدیکی به مراکز بازاری مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته‌اند. در ذیل بخشی از اقداماتی که در راستای توسعه کشاورزی انجام می‌گیرد توضیح داده می‌شود:

توزیع نهاده‌های کشاورزی و آزادسازی قیمت نهاده‌ها: یکی از مهم‌ترین رسالت‌های بشر در هزاره جدید، بسیج اندیشه‌ها و توانمندی‌های اجرایی برای حفاظت از محیط زیست است. در گوشه و کنار جهان هزاران کارشناس و محقق

دست به کار شده‌اند تا ضمن مطلع کردن جوامع بشری و دولتمردان و سیاست‌گذاران اقتصادی و اجتماعی از مخاطرات پیش روی محیط زیست، به راه‌کارهایی برای صیانت از این میراث مشترک دست یابند (Karimzadgan et al., 2006: 122). از میان بخش‌های مختلف تولیدی، بخش کشاورزی بیش‌ترین و نزدیک‌ترین ارتباط را با محیط زیست دارد. این ارتباط یک رابطه متقابل و دوسویه است. از یک طرف فرسایش و تخریب محیط زیست، تولید و عملکرد محصولات کشاورزی را تحت تأثیر منفی قرار می‌دهد و از جانب دیگر، مواد آلاینده بخش کشاورزی و مصرف بی‌رویه کودها و سایر مواد شیمیایی در این بخش، صدمات جبران‌ناپذیری به محیط زیست وارد می‌کند (Rashidghalam & Khaliliyan, 2011: 65). همواره در مباحث اقتصادی و در بین سیاست‌گذاران بخش کشاورزی دیدگاه‌های موافق و مخالفی در مورد پرداخت یارانه به عوامل تولید کشاورزی وجود داشته است. مخالفین پرداخت یارانه اعتقاد دارند که مهم‌ترین عامل اثرگذار در تصمیم کشاورزان به تولید یا عدم تولید یک محصول، قیمت آن محصول است. بنابراین می‌توان یارانه نهاده‌های کشاورزی را حذف کرد و در عوض با در نظر گرفتن قیمت تضمینی بالا، افزایش و یا حفظ سطح تولید را تضمین نمود. برخی کارشناسان بر این عقیده‌اند که پرداخت یارانه با مشکلاتی از جمله کاهش انگیزه صرفه‌جویی در کشاورزان و استفاده بهینه از نهاده‌ها همراه است، زیرا کشاورزان تا جایی از یک نهاده استفاده می‌کنند که ارزش تولید نهایی آن برابر قیمت اسمی شود. از سوی دیگر مقداری از نهاده‌های یارانه‌ای که به منظور افزایش تولید محصولات استراتژیک به کشاورزان داده می‌شود، در تولید محصولات دیگر مصرف می‌شوند. همچنین مالکین بزرگ از مزایای بیشتری نسبت به زارعین خرده‌پا، بهره‌مند می‌شوند (Sadatmoazeni & Tahami, 2009).

کنترل آفات (ساقه‌خواربرنج): نیاز روزافزون به گسترش تولیدات کشاورزی و دستیابی به سطح مناسب‌تری از امنیت غذایی، منجر به مصرف بی‌رویه کودهای شیمیایی و سموم آفت‌کش در دهه ۱۹۵۰ گردید. با این وجود، در طول دهه ۱۹۶۰ مشخص شد که استفاده بیش از حد از سموم آفت‌کش نه تنها باعث برنامه مقاوم شدن آفات و ظهور نسل‌های جدیدی از آن‌ها گردیده است، بلکه پایداری محیط زیست و سلامت انسان را نیز، به مخاطره انداخته است. به همین دلیل رفته رفته در سطح بین‌المللی استفاده از روش‌های کنترل غیرشیمیایی از جمله روش مدیریت تلفیقی آفات مورد توجه قرار گرفت؛ به گونه‌ای که برای اولین بار در سال ۱۹۷۰ در کشورهای درحال توسعه به اجرا درآمد (Osko et al., 2007: 110).

قیمت تضمینی و بازاریابی محصولات کشاورزی: سیاست قیمت‌گذاری محصولات کشاورزی از مهم‌ترین سیاست‌های کشاورزی است که در ایران به ندرت به طور صحیح از آن استفاده می‌شود. در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب با این هدف که قیمت‌گذاری محصولات کشاورزی باعث بهبود نسبی وضعیت اقتصادی کشاورزان می‌شود مورد توجه مسئولان قرار گرفت؛ ولی تحول سیاسی اقتصادی در دهه اول انقلاب، از قبیل جنگ تحمیلی، محاصره اقتصادی و کاهش قیمت‌های نفت و اعمال کنترل‌های دولتی بر قیمت‌ها، مجالی برای بازنگری اساسی در این سیاست را به وجود نیاورد. لذا سیاست قیمت‌گذاری محصولات کشاورزی روند نامنظمی را طی کرد. سیاست قیمت‌گذاری که در ایران آغاز شده به طور عمده در جهت تثبیت و پایین نگه داشتن قیمت و حمایت از مصرف‌کنندگان بوده که در عمل منجر به تشدید نابرابری درآمد در بخش کشاورزی بین بخش‌های اقتصادی کشور شده است؛ قیمت اعلام شده پایین‌تر از قیمت تعادلی بازار بوده است (Morsali, 2003: 12). سیاست مناسب قیمت‌گذاری برای محصولات کشاورزی نقش بنیادی در توسعه اقتصادی کشور و همچنین حمایت مؤثر و اساسی از تولیدکننده و مصرف‌کننده این محصولات ایفا می‌کند (Yavari, 2001: 146).

کشت دوم محصولات کشاورزی: افزایش جمعیت و محدودیت اراضی قابل کشت، دست‌اندرکاران متولی محصولات کشاورزی را به سوی بهره‌وری بیشتر در واحد سطح هدایت می‌نماید. یکی از روش‌های افزایش بهره‌وری در کشاورزی، توسعه کشت دوم است، که می‌تواند در اقتصاد خانوارهای روستایی نقش مؤثری داشته و به نظر می‌رسد با توسعه آن می‌توان از زمین استفاده مفیدتری بعمل آورد. ضمن اینکه مطالعه کشت دوم از جهاتی چون ایجاد دید جامع‌تری برای مسئولین در جهت برنامه‌ریزی در بخش کشاورزی، فراهم کردن زمینه علمی لازم برای برنامه‌ریزی در این بخش، کاهش فشارهای غیر کارشناسی بر منابع انسانی، آب و خاک ضرورت و اهمیت دارد. کارایی یک فعالیت کشاورزی به نحوه استفاده از عوامل تولید و بهره‌گیری از زیر ساخت‌های موجود در افزایش بهره‌وری بستگی دارد. کشت دوم اصطلاحاً به محصولاتی گفته می‌شود که در اراضی زراعی بعد از برداشت محصول اصلی کشت می‌شود (Amar et al., 2013: 89-90).

بیمه محصولات کشاورزی: بیمه محصولات کشاورزی را می‌توان یکی از اهرم‌های توسعه کشاورزی دانست؛ زیرا با استفاده از این ساز و کار هم می‌توان امنیت بیشتری برای تولیدکنندگان محصولات کشاورزی فراهم ساخت و هم شرایط مطلوب‌تری برای جلب و جذب سرمایه‌های خصوصی در بخش کشاورزی فراهم آورد (Rastgo & Rezvanfar, 2007: 112-113). بیمه محصولات کشاورزی چتر حمایتی را در مقابل زیان ناشی از فعالیت‌های اقتصادی بنگاه‌های کشاورزی فراهم می‌آورد. از آن‌جا که محیط تولید در بخش کشاورزی بسیار پرخطر است و پدیده‌های طبیعی و پارامترهای ریسکی فراوانی که خارج از کنترل زارع است در بخش تولید محصولات کشاورزی وجود دارد، لذا بسترسازی برای استفاده از بیمه در جهت مدیریت ریسک در این بخش ضروری به نظر می‌رسد. بیمه محصولات کشاورزی ابزاری برای تعدیل آثار عدم حتمیت و ریسک‌های ناشی از شرایط نامطلوب آب و هوایی در فرایند تولید کشاورزی است. بیمه کشاورزی سازوکاری مالی است که هدف آن حداقل کردن بی‌ثباتی ناشی از خسارت حاصل از عوامل گوناگون و نامشخص در بخش کشاورزی و تقسیم ریسک است. بیمه محصولات، کشاورزان را در برابر نابودی یا ضایع شدن محصول‌شان با پرداخت حق بیمه اندکی محافظت می‌کند نیز می‌تواند منبع اطمینان و اعتماد کشاورزان برای پذیرش و استفاده از نوآوری‌های نوین و روش‌های اصلاح شده کشاورزی و همچنین بستری برای سرمایه‌گذاری‌های بیشتر در کشاورزی باشد. گسترش بیمه کشاورزی مورد توجه بیشتر کشورهای در حال توسعه می‌باشد و نقش دولت‌ها در این بین شایان توجه است (Mahmoudi & Pirmoradi, 2014: 32-33).

آموزش و ترویج کشاورزی: آنچه باعث تمدن بشری شده، در سایه آموزش و پژوهش بوده است و امروزه با ثبات‌ترین کشورها، آن‌هایی هستند که درصد بیشتری نیروی انسانی ماهر دارند (Sarami, 2001: 69). کشوری که نتواند با ارتقای دانش و مهارت ملتش در توسعه بخش‌های اقتصاد ملی به نحو شایسته‌ای سود ببرد، قادر به تحقق دیگر ابعاد توسعه نیز نخواهد بود. در واقع نیروی انسانی ماهر و آموزش دیده در هر بخش اقتصادی، مهم‌ترین عامل توسعه در آن بخش به شمار می‌رود (Shahbazi, 1993: 494). استفاده صحیح از منابع آب، خاک، نهاده‌ها و ماشین‌آلات کشاورزی در فرایند تولید و همچنین بهره‌برداری معقول از منابع طبیعی در صورتی امکان‌پذیر است که عاملان آن از آموزش صحیح و آشنایی کافی با روش‌های تولید برخوردار باشند. بر خلاف آن‌چه در اذهان متصور است، کار کشاورزی به عنوان یک فعالیت حرفه‌ای تولیدی، نه فقط یک مهارت یدی و نه یک هنر ذاتی و سنتی است، بلکه کاربرد علم و دانش است. بنابراین آن کس که در فعالیت‌های کشاورزی با کاربرد تجارب و اندوخته‌های علمی خود و با استفاده از کلیات تعمیم یافته و تجارب علمی دیگران، شرایط زیست مناسب‌تری را برای تحولات فراهم کند، بهره بیشتری در جریان تولید می‌برد. اما کسی که در روش تولید و ایجاد شرایط مطلوب دانش و مهارت کافی ندارد و خود را تسلیم شرایط کند، بدیهی است که بهره کمتری خواهد برد (Motiee Langrodi, 2015: 138). مطالعاتی پیرامون نقش سیاست‌های حمایتی در تحولات اقتصادی روستا انجام شده که در ذیل به چند مورد آن‌ها اشاره می‌شود:

آمار و رضائی در سال ۱۳۸۶، تحقیقی با عنوان بررسی عوامل مؤثر در تحولات نظام زراعی دهستان رحمت آباد شهرستان رودبار در دهه ۸۰-۱۳۷۰ انجام داده‌اند. نتایج تحقیق حاکی از آن است نظام زراعی در فرآیند تحول بیشترین تأثیر را از عوامل جغرافیایی به عنوان عوامل درونی و شبکه‌های ارتباطی، بازار، ترویج و دولت به عنوان عوامل بیرونی پذیرفته است. مطیعی لنگرودی و شمسایی (۱۳۸۶) تحقیقی با عنوان توسعه روستایی مبتنی بر تداوم و پایداری کشاورزی در سراسر رود زنگان انجام داده است که یافته‌های حاصل حاکی از آن است که بین تداوم کشاورزی با اشتغال‌زایی، درآمد سرانه و سطح فیزیکی توسعه در منطقه نگرش مثبت وجود دارد. عزمی (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان بررسی وضعیت و چالش‌های کنونی بخش کشاورزی در سهرین زنگان انجام داده است. نتایج حاکی از آن است کشاورزی با مشکلاتی همچون عدم استفاده از بذرهای اصلاح شده، عدم استفاده از کودهای تلفیقی و همچنین ضعف دانش علمی و بی‌توجهی به توجیه‌های مروجین است. شایان و بوذرجمهری (۱۳۹۰) در تحقیق خود با عنوان بررسی نقش کشاورزی در توسعه روستایی بخش میانکنگی سیستان پرداخته‌اند. که مطالعات آن‌ها نشان می‌دهد کشاورزی، اساسی‌ترین کارکرد اقتصادی روستا و در تاریخ حیات خود اثرگذارترین عامل در توسعه روستایی بوده است. این در حالی است که رشد حمایت‌ها موجب رشد سطح زیر کشت این محصول در دوره مطالعه شده است. بسحاق (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان تحلیلی بر توسعه روستایی با تأکید بر بخش کشاورزی شهرستان ازنا انجام داده است و به این نتیجه دست یافته که بین اغلب عامل‌های توسعه روستایی و توسعه کشاورزی ارتباط مثبت و معنی‌داری وجود دارد. سادات باریکانی و آذری (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان اثرپذیری سیاست‌های حمایتی کشاورزی بر تولید برنج در ایران انجام داده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که رشد حمایت‌ها بر رشد

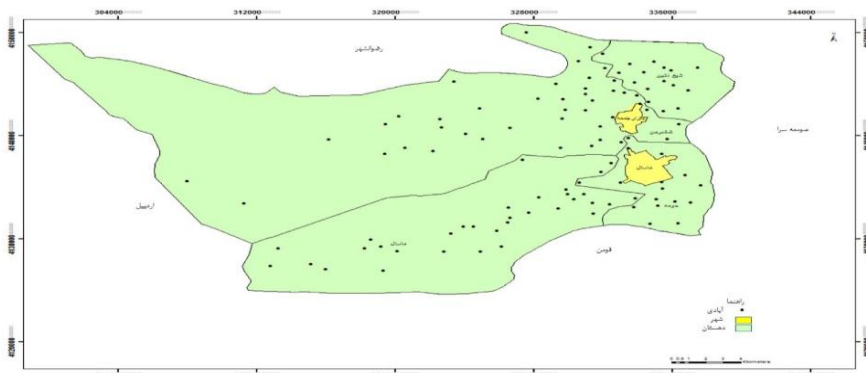
تولید برنج و رشد عملکرد تولید تأثیری نداشته است. حیدری (۱۳۹۳)، تحقیقی با عنوان بررسی عوامل مؤثر بر رضایت کشاورزان در خصوص اشتغال در بخش کشاورزی (مطالعه موردی: شهرستان مشگین شهر) انجام داده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که متغیرهایی مانند مناسب بودن درآمد کشاورزان، سهولت دسترسی به نهاده‌ها، دسترسی به خدمات ترویجی، شیوه‌های مدرن کشاورزی و میزان دانش و مهارت، رضایت کشاورزان در خصوص اشتغال را در بخش کشاورزی تبیین می‌کند. نادری و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان واكای میزبان نیاز به سیاست‌های کشاورزی پایدار: مطالعه موردی: دیدگاه متخصصان و کارشناسان استان همدان انجام داده‌اند. براساس نتایج تحلیلی توصیفی، در بعد اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی سیاست‌های دارای الویت اول مشخص گردید. شایان و تقدیسی (۱۳۹۶) در تحقیقی با عنوان تحلیل ارتباط کشاورزی با توسعه روستایی در شهرستان زرین دشت فارس انجام داده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که تأثیر بر وضعیت اقتصادی مهمترین اثر کشاورزی بر توسعه روستایی است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و روش تحقیق مورد استفاده در آن، توصیفی-تحلیلی می‌باشد. داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز از طریق روش کتابخانه‌ای (بررسی کتاب‌ها، گزارش‌ها، طرح‌ها، سالنامه‌های آماری، نقشه‌ها و...) گردآوری شده‌اند. در راستای کنترل اطلاعات ارائه شده توسط مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان ماسال، مصاحبه‌ای نیز از مدیران روستاهای زراعی ناحیه مطالعاتی (حداقل یک نفر در هر روستا) و ۶ نفر از کارشناسان جهاد کشاورزی شهرستان ماسال که در بخش‌های مختلف از جمله زراعت، مکانیزاسیون، حفظ نباتات، امور آب و خاک اشتغال داشتند و همچنین مشاهده طرح‌های اجرا شده، به عمل آمد. در این تحقیق به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها و رسم نمودارها از نرم‌افزار Excel و ترسیم نقشه‌ها از نرم‌افزار Arc GIS استفاده شده است. جامعه آماری در این تحقیق کلیه روستاهای زراعی شهرستان ماسال (۷۰ روستا) می‌باشند. نمونه‌گیری در این تحقیق انجام نگرفته و سیاست‌گذاری‌های حمایتی زراعی در این تحقیق از لحاظ عواملی مانند: عامل جمعیت، موقعیت، سطح اجرا و دوری یا نزدیکی به مراکز بازاری و نقش آن‌ها در تحول کاربری زمین، تحول در شیوه تولید، افزایش سطح زیر کشت، افزایش تولید، افزایش درآمد و کاهش هزینه‌های روستاییان مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته‌اند.

قلمرو جغرافیایی پژوهش

شهرستان ماسال با ۶۳۳ کیلومتر مربع، در شمال کشور و غرب استان گیلان بین عرض جغرافیایی ۳۷ درجه و ۱۶ دقیقه و ۳۷ درجه و ۲۹ دقیقه شمالی و طول جغرافیایی ۴۷ درجه و ۴۳ دقیقه و ۴۹ درجه و ۱۴ دقیقه شرقی واقع شده و از شمال به شهرستان رضوانشهر، از جنوب و شرق به شهرستان صومعه‌سرا، جنوب غربی به شهرستان فومن و از غرب به استان اردبیل محدود می‌شود. بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ شهرستان ماسال دارای ۲ بخش، ۲ شهر، ۴ دهستان و ۱۰۸ آبادی است. که ۹۳ آبادی آن دارای سکنه و ۱۵ آبادی خالی از سکنه می‌باشد. تعداد جمعیت این شهرستان ۵۲۶۴۹ نفر می‌باشد که ۲۹۰۱۹ نفر در نواحی روستایی زندگی می‌کنند (Statistical Center of Iran, 2016).



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی شهرستان ماسال (Source: Statistical Center of Iran, 2016)

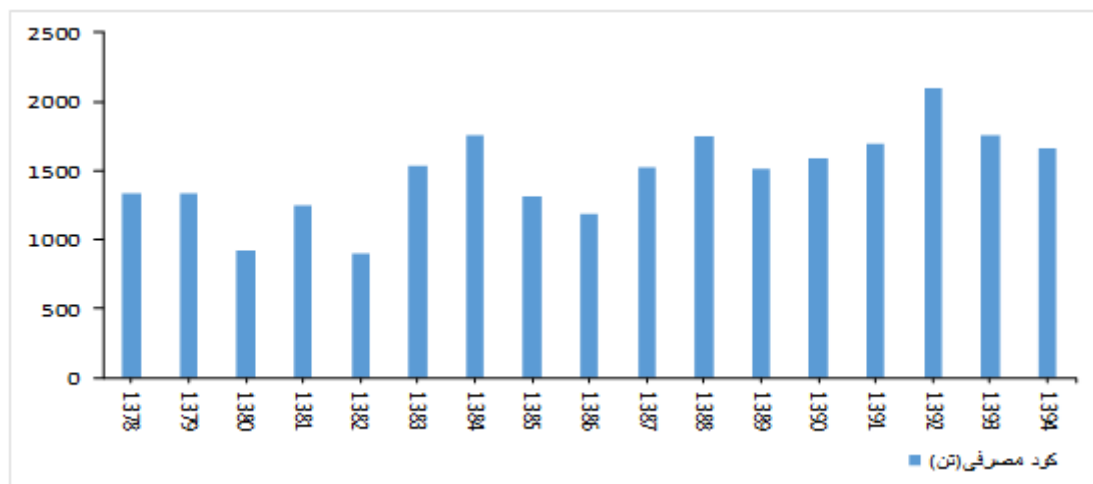
یافته‌ها و بحث

سیاست‌گذاری‌های حمایتی زراعی شهرستان ماسال

در ذیل اقداماتی که در راستای سیاست توسعه کشاورزی در شهرستان ماسال اعمال می‌گردد، توضیح داده می‌شود:

- توزیع نهاده‌های کشاورزی و آزادسازی قیمت نهاده‌ها

شکل (۲)، وضعیت توزیع کود شیمیایی در شهرستان ماسال طی سال‌های ۱۳۷۸ الی ۱۳۹۴ را نشان می‌دهد. کودهای شیمیایی توزیع شده در شهرستان شامل سه نوع کود ازته، فسفات و پتاسه می‌باشد. توزیع کود شیمیایی در طی این سال‌ها روندی افزایش و کاهشی داشته است. همچنین قیمت کود شیمیایی در سال ۱۳۸۰ به طور میانگین ۲۵۰۰۰ ریال بوده است که این قیمت در سال ۱۳۹۵ به طور میانگین به ۴۵۰۰۰۰ ریال رسیده است. البته با توجه به هدفمندی یارانه‌ها در سال ۱۳۸۹ و حذف یارانه‌ها و افزایش قیمت انواع کود، مصرف انواع کود شیمیایی کاهشی نیافته است. کودشیمیایی و سم از جمله نهاده‌هایی هستند که در تولید برنج نقش موثری دارند و یارانه این دو نهاده جزء یارانه‌های غیرمستقیم از انواع یارانه‌های تولیدی است^۱.



شکل ۲. توزیع انواع کود شیمیایی برحسب تن (۱۳۷۸-۹۴)

(Source: Management of Agricultural Jihad of Masal, 2016)

بنابراین توزیع کود شیمیایی در شهرستان ماسال را می‌توان از لحاظ عوامل زیر بررسی نمود:

(الف) عامل موقعیت: از لحاظ شاخص موقعیت نیز توزیع کود شیمیایی در تمام روستاهای زراعی شهرستان ماسال که در محدوده جلگه‌ای و کوهپایه‌ای واقع شده‌اند، صورت گرفته است.

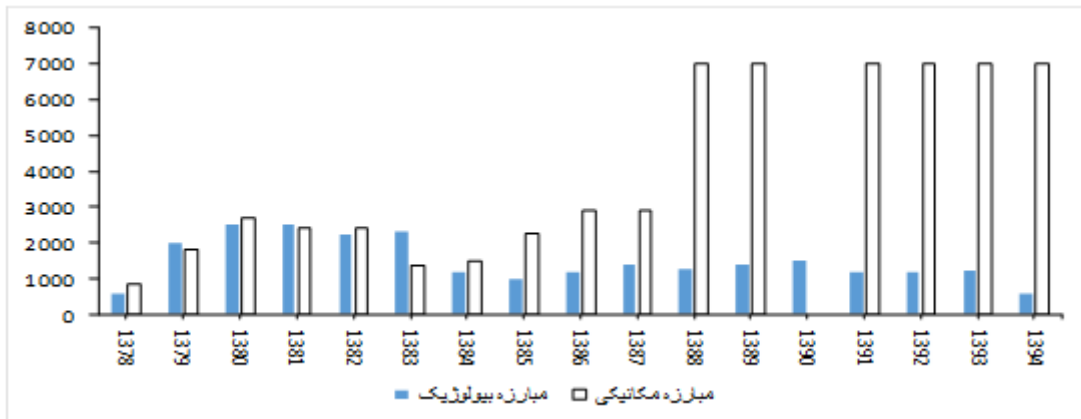
(ب) سطح زیر کشت: مقدار مصرف کود شیمیایی در روستاهای زراعی بخش شاندرمن (دهستان شاندرمن و شیخ نشین)، ۹۴۷ تن در سطح ۴۰۰۰ هکتار از اراضی توزیع گردیده است. مقدار کود مصرفی در بخش مرکزی (دهستان حومه و ماسال)، ۷۱۰ تن در سطح ۳۰۰۰ هکتار بوده است.

(ج) فاصله: بهره‌برداران زراعی بخش شاندرمن، مسافتی به طور میانگین ۶-۱ کیلومتر را جهت خرید کود شیمیایی تا شهر شاندرمن طی می‌کنند. این امر خود باعث تحمیل هزینه‌ای مضاعف به کشاورزان و روستاییان منطقه می‌گردد. البته تعاونی روستایی مستقر در روستای شیخ نشین نیز بخشی از توزیع نهاده‌ها را به عهده دارد، اما نقش آن کم رنگ می‌باشد. بهره‌برداران زراعی دهستان حومه نیز بخشی از کود شیمیایی خود را از تعاونی و شمه سرا تهیه می‌نمایند و مسافتی به طور میانگین ۳-۱ کیلومتر را طی می‌کنند. دهستان ماسال و بخشی دیگر از دهستان حومه با طی مسافتی به طور میانگین ۸-۱/۵ کیلومتر، کود مصرفی خود را از شهر ماسال تهیه می‌نمایند.

۱. با توجه به نبود داده‌ها از یک طرف و عدم اجرای سیاست‌های حمایتی مشخص حداقل تا آغاز برنامه اول توسعه از طرف دیگر، این آمارها جهت ارائه موجود بوده است.

– کنترل آفات (ساقه خوار برنج)

بر اساس جدول (۱)، از ۲۱ روستای برخوردار از سیاست‌گذاری مبارزه بیولوژیک علیه ساقه‌خوار برنج شهرستان ماسال که در محدوده جلگه‌ای واقع شده‌اند، دهستان شاندرمن با ۶ روستا (۲۸/۶ درصد)، دهستان شیخ نشین با ۵ روستا (۲۳/۸ درصد)، دهستان حومه با ۹ روستا (۴۲/۸ درصد) و دهستان ماسال با ۱ روستا (۴/۷ درصد) در این محدوده قرار گرفته‌اند. همچنین از ۴ روستای برخوردار از سیاست‌گذاری مبارزه بیولوژیک علیه ساقه‌خوار برنج که در محدوده کوهپایه‌ای واقع شده‌اند، تعداد ۲ روستا در دهستان شاندرمن و ۲ روستا در دهستان ماسال قرار گرفته‌اند. بنابراین ۸۴ درصد از روستاهای زراعی برخوردار از مبارزه بیولوژیک علیه ساقه‌خوار برنج شهرستان ماسال در محدوده جلگه‌ای و ۱۶ درصد در محدوده کوهپایه‌ای واقع شده‌اند.

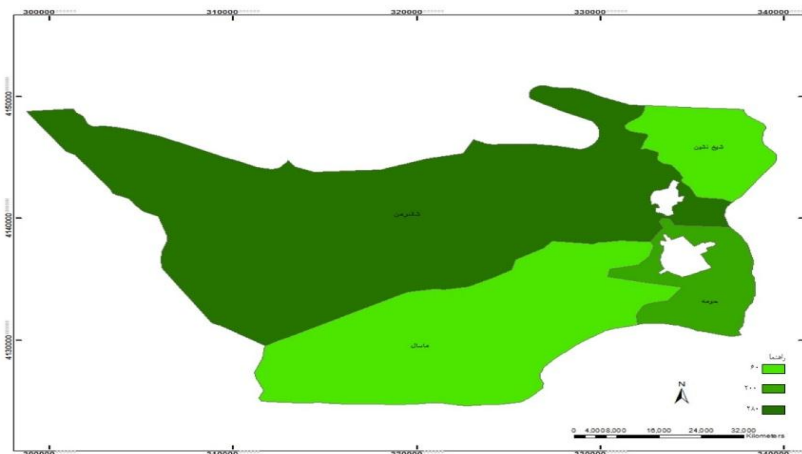


شکل ۳. مبارزه غیرشیمیایی با آفات و بیماری‌ها در شهرستان ماسال (۹۴-۱۳۷۸)

(Source: Management of Agricultural Jihad of Masal, 2016)

جدول ۱. روستاهای برخوردار از مبارزه بیولوژیک علیه ساقه‌خوار برنج به تفکیک دهستان

کوهستانی		کوهپایه‌ای		جلگه‌ای		موقعیت دهستان
تعداد روستا	درصد	تعداد روستا	درصد	تعداد روستا	درصد	
-	-	۲	۵۰	۶	۲۸/۶	شاندرمن
-	-	-	-	۵	۲۳/۸	شیخ نشین
-	-	-	-	۹	۴۲/۸	حومه
-	-	۲	۵۰	۱	۴/۷	ماسال
۱۰۰	-	۴	۱۰۰	۲۱	۱۰۰	جمع شهرستان

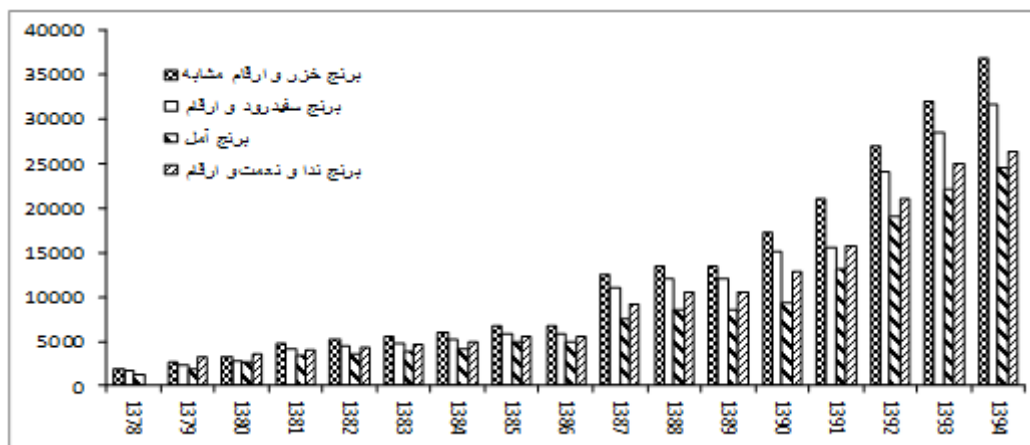


شکل ۴. سطح مبارزه بیولوژیک علیه ساقه‌خوار برنج

– قیمت تضمینی و بازاریابی محصولات کشاورزی

سطح زیرکشت برنج شهرستان ماسال در سال ۱۳۹۵، ۷۰۰۰ هکتار اعلام شد. گونه‌های محلی برنج، به‌طور عمده توسط کانال‌های بازاریابی خصوصی و بدون دخالت مستقیم دولت، خرید و فروش می‌شوند. بهترین مسیر در بازار برنج محلی، مسیر تولیدکننده-مصرف‌کننده می‌باشد. بنابراین حضور شالیکاران در بازار فروش نهایی، سبب افزایش کارایی بازار خواهد شد. هرچه فاصله تولیدکنندگان برنج از بازار بیشتر باشد، احتمال ورود تولیدکنندگان به‌صورت فروشنده در بازار کاهش خواهد یافت. با توجه به نوسانات شدید قیمت فروش برنج در استان گیلان، به ویژه در فصل برداشت، عملاً اقتصاد برنج‌کاران را با مشکل روبرو کرده است. افزایش عرضه محصول برنج بلافاصله پس از برداشت، سبب افت قیمت بازار و کاهش درآمد کشاورزان می‌گردد، که این موضوع به نوبه خود سبب ایجاد محدودیت مالی در بخش تولید برنج و بی‌انگیزی جهت ادامه روند تولید می‌گردد.

بحث قیمت تضمینی و بازاریابی محصولات کشاورزی در شهرستان ماسال از لحاظ شاخص دوری یا نزدیکی به مراکز بازاری قابل بررسی می‌باشد. به طوری که مراکز خرید محصولات کشاورزی (عمدتاً برنج) در شهر شاندرمن و شهر ماسال مستقر می‌باشند و کشاورزان این منطقه به ناچار باید مسافتی را جهت فروش محصولات خود تا این مراکز بازاری طی نمایند و مطمئناً هزینه‌ای مضاعف جهت حمل و نقل و کارگری باید پرداخت نمایند. روستاییان و کشاورزان دهستان شاندرمن و شیخ نشین فاصله‌ای بین ۶-۱ کیلومتر را جهت رسیدن به بازار طی می‌کنند. کشاورزان این دو دهستان محصولات خود را در شهر شاندرمن به فروش می‌رسانند. دهستان حومه و ماسال نیز فاصله‌ای بین ۸-۱/۵ کیلومتر را تا مرکز بازار که شهر ماسال می‌باشد طی می‌نمایند.

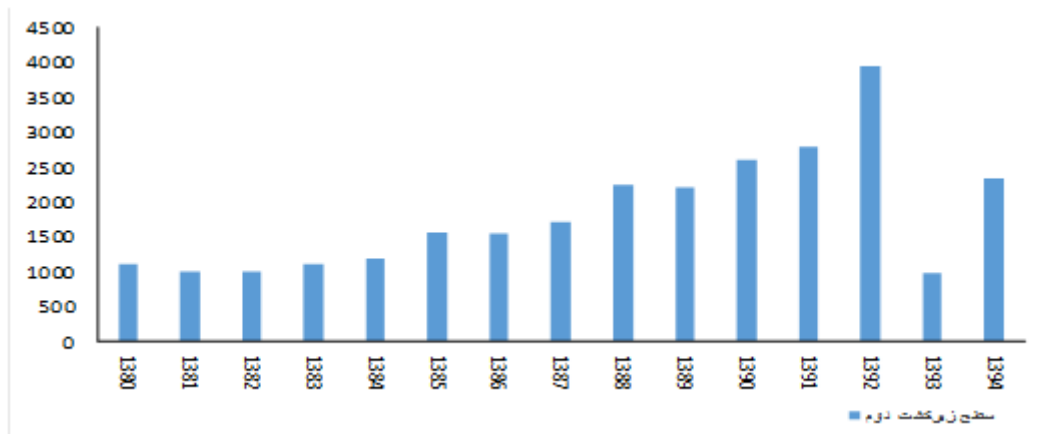


شکل ۵. قیمت تضمینی ارقام مختلف برنج طی سال‌های ۱۳۷۸-۱۳۹۴

(Source: Management of Agricultural Jihad of Masal, 2016)

– کشت دوم محصولات کشاورزی

کشت دوم در روستاهای شهرستان ماسال شامل کشت محصولاتی مانند: باقلای مازندرانی، لوبیای کشاورزی، کلزا، شبدر، نیاتات علوفه‌ای و کشت راتون می‌باشد. به طوری که در سال ۱۳۸۰ کل سطح زیر کشت دوم ۱۱۰۷ هکتار بوده که این سطح زیر کشت در سال ۱۳۹۴ به ۲۳۳۰ هکتار رسیده است. سطح زیر کشت راتون نیز از ۱۰ هکتار در سال ۱۳۷۸ به ۱۲۷۰ هکتار در سال ۱۳۹۴ افزایش یافته است. کشت کلزا نیز از سال ۱۳۸۸ در شهرستان متوقف شده است.



شکل ۶. سطح زیرکشت محصولات کشت دوم در شهرستان ماسال (۹۴-۱۳۸۰)

(Source: Management of Agricultural Jihad of Masal, 2016)

کشت دوم در روستاهای شهرستان ماسال بر اساس عوامل زیر قابل بررسی می‌باشد:
 الف) عامل موقعیت: در تمام روستاهای زراعی دهستان‌های شاندرمن، شیخ نشین، حومه و ماسال که در محدوده جلگه‌ای و کوهپایه‌ای واقع شده‌اند، کشت دوم انجام گرفته است.

ب) سطح زیر کشت: از ۲۳۳۰ هکتار سطح زیر کشت دوم در شهرستان ماسال، ۱۲۰۰ هکتار در بخش شاندرمن و ۱۱۳۰ هکتار در بخش مرکزی انجام گرفته است. بنابراین از مجموع ۷۰۰۰ هکتار اراضی کشاورزی شهرستان ماسال، ۲۳۳۰ هکتار معادل ۳۳/۳ درصد تحت کشت دوم قرار گرفته است.

ج) دوری یا نزدیکی به بازار: محصولات کشت دوم پس از برداشت بایستی جهت فروش به بازار انتقال یابند. روستاییان بخش شاندرمن با طی مسافتی حدود ۶-۱ کیلومتر به مرکز خرید و فروش محصولات زراعی یعنی شهر شاندرمن و روستاییان بخش مرکزی نیز با طی مسافتی حدود ۸-۱/۵ کیلومتر به مرکز بازاری یعنی شهر ماسال می‌رسند. بخشی از محصولات کشت دوم مانند شیدر و نباتات علوفه‌ای جهت تغذیه دام‌ها استفاده می‌گردد. از مجموع ۷۰۰۰ هکتار اراضی کشاورزی شهرستان ماسال، ۲۳۳۰ هکتار معادل ۳۳/۳ درصد تحت کشت دوم قرار گرفته است و ۶۶/۷ درصد از اراضی تحت کشت دوم قرار نگرفته‌اند.

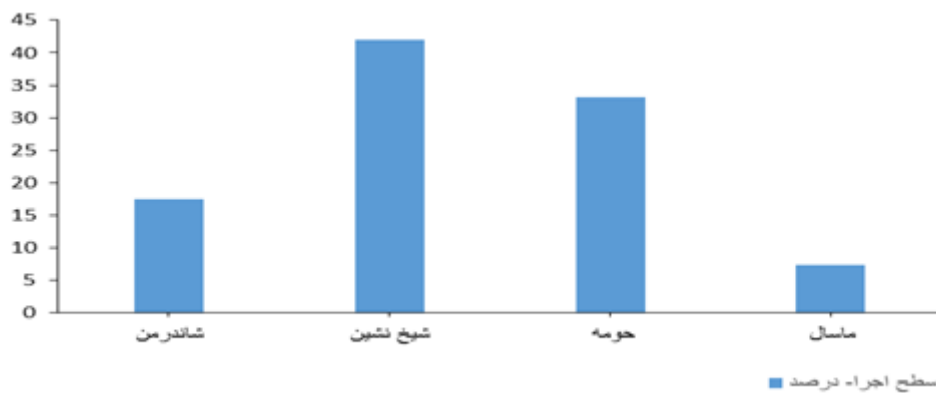
- بیمه محصولات کشاورزی

سازوکار بیمه محصولات کشاورزی به این شکل می‌باشد که بخشی از هزینه جهت بیمه نمودن محصول برنج توسط کشاورز و بخشی دیگر توسط دولت پرداخت می‌گردد. بنابراین وضعیت بیمه محصولات کشاورزی در شهرستان ماسال را می‌توان با توجه به عوامل زیر مورد بررسی قرار داد:

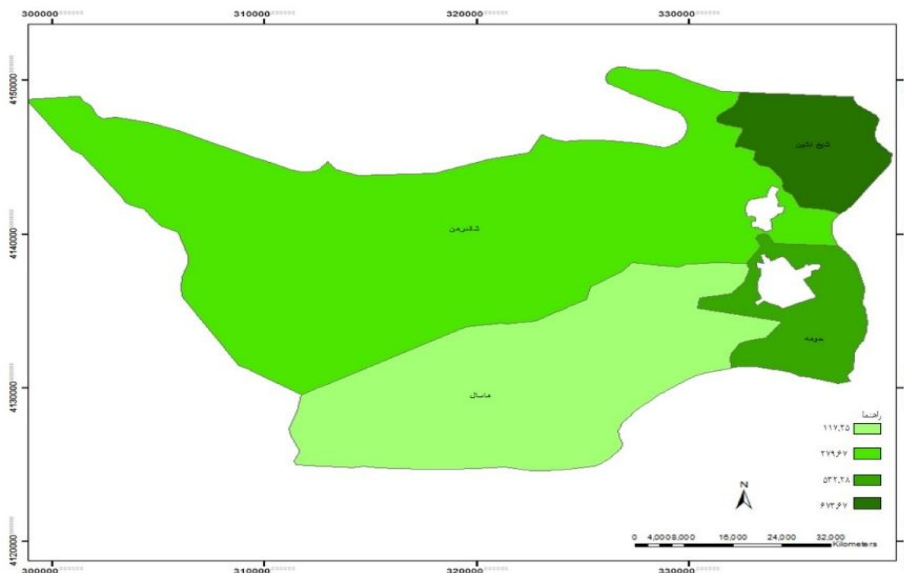
الف) شاخص موقعیت: بر اساس جدول (۲)، از ۴۸ روستای برخوردار از بیمه محصولات کشاورزی شهرستان ماسال که در محدوده جلگه‌ای واقع شده‌اند، دهستان شاندرمن با ۱۸ روستا معادل ۳۷/۵ درصد، دهستان شیخ نشین با ۱۶ روستا معادل ۳۳/۳۳ درصد، دهستان حومه با ۱۳ روستا معادل ۲۷/۱ درصد و دهستان ماسال با ۱ روستا معادل ۲/۱ درصد در این محدوده قرار گرفته‌اند. همچنین از ۱۰ روستای برخوردار از بیمه محصولات کشاورزی که در محدوده کوهپایه‌ای واقع شده‌اند، تعداد ۴ روستا معادل ۴۰ درصد در دهستان شاندرمن، ۱ روستا معادل ۱۰ درصد در دهستان حومه و ۵ روستا معادل ۵۰ درصد در دهستان ماسال قرار گرفته‌اند. بنابراین ۸۳ درصد از روستاهای زراعی برخوردار از بیمه محصولات کشاورزی شهرستان ماسال در محدوده جلگه‌ای و ۱۷ درصد در محدوده کوهپایه‌ای واقع شده‌اند.

جدول ۲. روستاهای برخوردار از بیمه محصولات کشاورزی به تفکیک دهستان بر حسب عامل موقعیت

کوهستانی		کوهپایه‌ای		جلگه‌ای		موقعیت دهستان
درصد	تعداد روستا	درصد	تعداد روستا	درصد	تعداد روستا	
-	-	۴۰	۴	۳۷/۵	۱۸	شاندرمن
-	-	-	-	۳۳/۳۳	۱۶	شیخ نشین
-	-	۱۰	۱	۲۷/۱	۱۳	حومه
-	-	۵۰	۵	1/2	۱	ماسال
۱۰۰	-	۱۰۰	۱۰	۱۰۰	۴۸	جمع شهرستان



شکل ۷. سطح اجرای بیمه محصولات کشاورزی در شهرستان ماسال به تفکیک دهستان (۱۳۹۵)
(Source: Agricultural Insurance Fund of Masal, 2016)

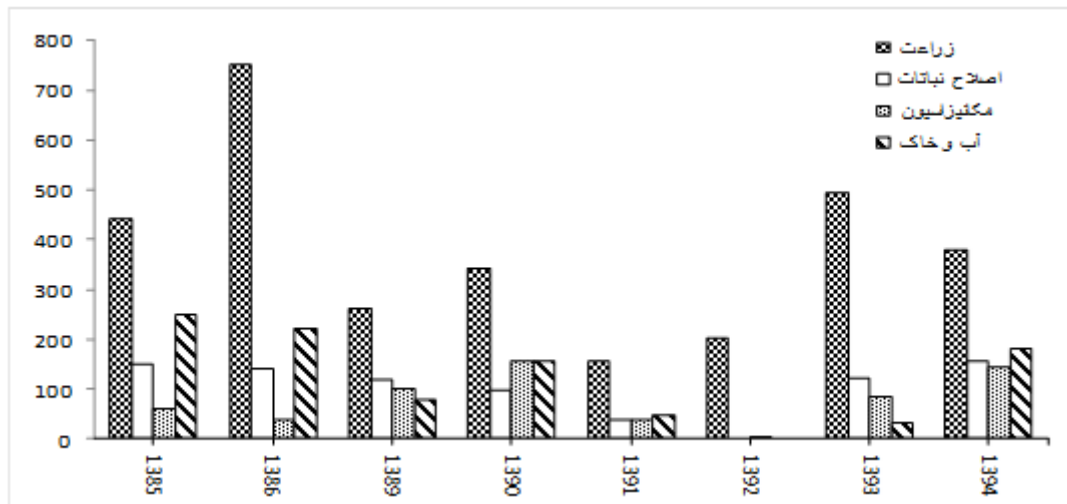


شکل ۸. سطح اراضی بیمه شده شهرستان ماسال

از ۷۰۰۰ هکتار از اراضی کشاورزی شهرستان ماسال، ۱۶۰۲/۸۷ هکتار معادل ۲۳ درصد تحت پوشش بیمه قرار گرفته است.

آموزش و ترویج کشاورزی

فعالیت‌های آموزشی - ترویجی انجام گرفته در شهرستان ماسال طی ۱۰ سال گذشته در شکل (۹)، آورده شده است. بر اساس این نمودار در ارتباط با فعالیت‌های زراعی (زراعت، مکانیزاسیون، اصلاح نباتات و مبارزه با آفات، آب و خاک) یکسری برنامه‌ها بر مبنای نفر روز اجرا گردیده است. که این فعالیت‌ها طی این سال‌ها روندی افزایشی و کاهشی داشته است. با توجه به اقدامات زراعی از جمله: تجهیز و نوسازی اراضی، مکانیزاسیون، مدیریت منابع آب، استفاده بهینه از کود و سم، مبارزه بیولوژیک علیه آفات، کشت دوم و بیمه محصولات کشاورزی در شهرستان ماسال حاکی از آن است که برنامه‌های آموزشی - ترویجی کم و بیش در سال‌های اخیر در سطح روستاهای شهرستان صورت گرفته است.



شکل ۹. فعالیت‌های آموزشی و ترویجی بر حسب نفر روز در شهرستان ماسال (۱۳۸۵-۹۴)

(Source: Management of Agricultural Jihad of Masal, 2016)

تحلیل سیاست‌گذاری‌های حمایتی زراعی در نواحی روستایی شهرستان ماسال

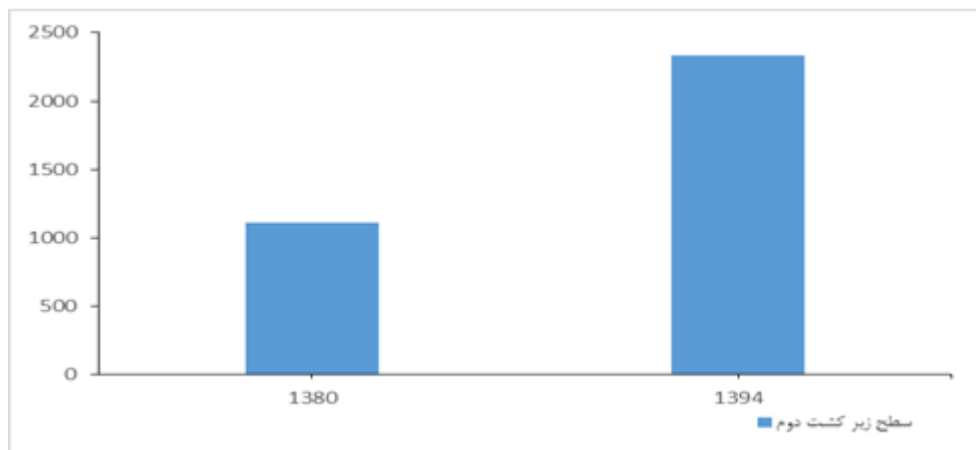
توزیع و عرضه نهاده‌های کشاورزی در شهرستان ماسال در زمان مناسب و در حد نیاز در اختیار کشاورزان قرار گرفته است، که این خود باعث می‌شود تا کشاورزان با اطمینان خاطر بیشتری در بخش کشاورزی فعالیت کنند. کود شیمیایی بر تولید محصولات زراعی (برنج) در شهرستان ماسال مؤثر است. البته طی مسافت جهت تأمین نهاده‌های کشاورزی باعث تحمیل هزینه بر کشاورزان می‌گردد. همچنین سیاست آزاد سازی قیمت نهاده‌ها و حذف یارانه کود شیمیایی که از سال ۱۳۸۹ اتفاق افتاده، در میزان مصرف آن در شهرستان ماسال تأثیری نداشته است و منجر به افزایش هزینه تولید و افزایش قیمت تمام شده محصول نیز گردیده است. مبارزه بیولوژیک علیه ساقه‌خوار برنج که در روستاهای زراعی شهرستان ماسال انجام گرفته، حاکی از آن است که اعمال این فعالیت در کاهش هزینه کشاورزان از لحاظ خرید سموم شیمیایی تأثیرگذار بوده است. در شهرستان ماسال این طرح در سطح بسیار کم انجام شده، به طوری که از ۷۰۰۰ هکتار از اراضی شالیزار شهرستان تنها ۶۰۰ هکتار معادل ۸/۵ درصد تحت پوشش این طرح قرار گرفته است. از سال ۱۳۷۸ الی ۱۳۹۴ یعنی طی برنامه سوم الی پنجم توسعه اجرای این طرح روندی کاهشی داشته و مورد حمایت دولت قرار نگرفته است. در صورتی که حمایت و ترویج این فعالیت می‌تواند در کاهش هزینه‌های تولید و نیز حفظ سلامت انسان و محیط زیست تأثیرگذار باشد. از مشکلات این طرح می‌توان عدم تحویل به موقع زنبور تریکوگراما به کشاورزان، ضعف خدمات حمایتی-ترویجی و عدم استفاده کشاورزان همجوار اشاره نمود. سیاست قیمت تضمینی فقط برای ارقام پر محصول برنج انجام می‌شود. به دلیل اینکه در شهرستان ماسال بیشتر گونه‌های محلی (برنج هاشمی) کشت می‌شود، سیاست قیمت خرید تضمینی از خصوصیات یک سیاست حمایتی برخوردار نمی‌باشد. در شهرستان ماسال گونه‌های محلی برنج توسط کانال‌های بازاریابی خصوصی و بدون دخالت مستقیم دولت خرید و فروش می‌شوند و سهم کشاورز از قیمت نهایی اندک است. به علت عدم حمایت دولت، پس از برداشت محصول برنج شاهد افزایش عرضه محصول می‌باشیم، که خود سبب افت قیمت بازار و کاهش

درآمد کشاورزان می‌گردد. همچنین روستاییان کشاورز جهت فروش محصولات خود فاصله‌ای حدود ۱ الی ۸/۵ کیلومتر را تا مراکز بازاری طی می‌کنند. بنابراین از لحاظ حمل و نقل و کارگری متحمل هزینه می‌شوند.

نقش کشت دوم محصولات زراعی به عنوان یک فعالیت مکمل اقتصادی در شهرستان ماسال حائز اهمیت است و باعث افزایش بهره‌وری در بخش کشاورزی و خروج از تک محصولی می‌شود. ظهور کشت دوم در شهرستان ماسال از سال ۱۳۸۰ (برنامه سوم) شروع شده و تا برنامه پنجم روندی افزایشی داشته است. کشت راتون نیز از اواخر برنامه دوم توسعه از سال ۱۳۷۸ در شهرستان در سطحی معادل ۱۰ هکتار شروع و میزان تولید راتون ۶۷۲ کیلوگرم در هکتار بوده است که این مقدار طی برنامه پنجم توسعه در سال ۱۳۹۵ به سطحی معادل ۱۲۷۰ هکتار و میزان تولید ۸۵۰ کیلوگرم در هکتار رسیده است.

میزان تولید باقلای مازندرانی از ۲۲ تن در سطح ۲۰ هکتار در سال ۱۳۸۰ به ۳۳۶ تن در سطح ۸۰ هکتار در سال ۱۳۹۵ رسیده است. کشت کلزا نیز در سال ۱۳۸۰ با تولید ۳۸/۴ تن در سطح زیر کشت ۳۲ هکتار آغاز و تا سال ۱۳۸۷ با تولید ۸۲ تن در سطح زیر کشت ۵۵ هکتار ادامه یافت که بعد از آن کشت این دانه روغنی در روستاهای شهرستان ماسال به دلیل تداخل برداشت این محصول با زمان کاشت برنج متوقف گردیده است. البته در مجموع اگر سطح زیر کشت دوم در شهرستان ماسال را مورد بررسی قرار دهیم شاهد این موضوع هستیم که سطح زیر کشت دوم و میزان تولید از سال ۱۳۸۰ الی سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است.

هزینه کاشت و برداشت لوبیای کشاورزی در یک هکتار در سال ۱۳۹۵ برابر با ۲,۵۰۰,۰۰۰ تومان بوده است. با توجه به میزان تولید ۴ تن در هکتار و فروش هر کیلو لوبیای کشاورزی به قیمت ۲۵۰۰ تومان، درآمد حاصل از فروش برابر با ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ تومان می‌باشد که با کسر مقدار هزینه، درآمد خالص در هر هکتار برابر ۷/۵۰۰/۰۰۰ تومان خواهد شد. در ارتباط با راتون نیز، میزان تولید راتون برابر با ۷۰۰ کیلو در هکتار می‌باشد. و قیمت هر کیلو راتون برابر با ۱۶۰۰۰ تومان بوده است و درآمد حاصل از فروش برابر ۱۱/۲۰۰/۰۰۰ تومان می‌باشد. هزینه داشت و برداشت آن حدود ۴۰۰/۰۰۰ تومان می‌باشد. بنابراین درآمد خالص با کسر هزینه برابر با ۱۰/۸۰۰/۰۰۰/۰۰۰ تومان بوده است. در واقع نشان دهنده این موضوع است که کشت دوم در افزایش درآمد کشاورزان می‌تواند تأثیرگذار باشد. البته با توجه به اینکه فقط ۲۳۳۰ هکتار معادل ۳۳/۳ درصد از اراضی شهرستان ماسال تحت پوشش کشت دوم قرار دارند و نیز با توجه به پتانسیل‌های زراعی که وجود دارد می‌توان با برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری صحیح سطح زیر کشت دوم را افزایش داد و در نتیجه به افزایش درآمد روستاییان کشاورز کمک نمود.



شکل ۱۰. سطح زیر کشت دوم در شهرستان ماسال (۹۴-۱۳۸۰)

(Source: Management of Agricultural Jihad of Masal, 2016)

بیمه محصولات کشاورزی در شهرستان ماسال طی سال‌های ۱۳۸۸ الی ۱۳۹۴ یک روند افزایشی و کاهشی داشته است. به طوری که در سال ۱۳۹۴ شاهد کاهش سطح بیمه محصولات کشاورزی (برنج) می‌باشیم. از ۷۰۰۰ هکتار از اراضی زراعی شهرستان ماسال، ۱۶۰۲/۸۷ هکتار معادل ۲۳ درصد تحت پوشش بیمه قرار گرفته‌اند. البته در روستاهای زراعی که این سیاست اعمال شده است شاهد ارتقاء سطح درآمد کشاورزان و کاهش نوسانات درآمدی برنجکاران هستیم. زیرا کشاورزان با اطمینان خاطر بیشتری به امر تولید می‌پردازند. همچنین کارایی کشاورزان تحت پوشش بیمه بیشتر از کشاورزانی است تحت پوشش بیمه

محصولات کشاورزی قرار نگرفته‌اند. به طوری که صندوق بیمه محصولات کشاورزی در سال زراعی ۹۵-۹۴، ۹۴/۹۳/۱۰۷/۹۳۴ و ریال گرامت به کشاورزان شهرستان پرداخت نموده است.

با اعمال سیاست‌های حمایتی به خصوص از لحاظ آموزش و ترویج در زمینه استفاده از روش‌های نوین کشاورزی، تجهیز و نوسازی اراضی شاهد افزایش ماشین‌آلات و توسعه مکانیزاسیون کشاورزی و انجام عملیات کاشت و برداشت به صورت مکانیزه در سطح نواحی روستایی می‌باشیم. در برنامه‌های اول، دوم و سوم توسعه یعنی دهه‌های ۶۰ و ۷۰، اغلب مزارع برنج شهرستان به صورت سنتی مورد کاشت و برداشت قرار می‌گرفتند. اما از اواخر دهه ۷۰ تاکنون یعنی طی برنامه‌های سوم (اواخر برنامه)، چهارم و پنجم شاهد انجام عملیات کاشت و برداشت به صورت مکانیزه در سطح نواحی روستایی می‌باشیم. به طوری که سطح نشاکاری مکانیزه در شهرستان ماسال در سال ۱۳۷۷ معادل ۱۰ هکتار بوده که این سطح نشاکاری در سال ۱۳۹۵ به ۵۵۰۰ هکتار رسیده است. در واقع از کل سطح زیر کشت شهرستان که ۷۰۰۰ هکتار می‌باشد، ۷۸/۵ درصد بصورت مکانیزه کشت می‌شوند. سطح برداشت مکانیزه در شهرستان ماسال در سال ۱۳۷۷، ۴۶۰ هکتار بوده که این سطح برداشت مکانیزه در سال ۱۳۹۵ به ۶۰۰۰ هکتار رسیده است. در واقع ۸۵/۷ درصد از اراضی شهرستان به صورت مکانیزه برداشت می‌شوند. همچنین ماشین‌نشاکار از ۲ دستگاه در سال ۱۳۷۷ به ۲۷۶ دستگاه در سال ۱۳۹۵ و ماشین‌دروگر از ۳ دستگاه به ۲۰۸ دستگاه رسیده است. از مزایای کاشت و برداشت مکانیزه می‌توان به کاهش نیروی کارگری، کاهش زمان عملیات، کاهش ضایعات برنج، کاهش هزینه‌های عملیات زراعی، افزایش سرعت کار نسبت به روش سنتی را ذکر نمود. زمان برداشت در روش مکانیزه بسیار کوتاه‌تر از روش سنتی و دستی است و حدوداً سه ساعت در هکتار برآورد می‌شود. در روش سنتی زمان بسیار طولانی و حدود ۱۲۸ ساعت برای هر هکتار به طول می‌انجامد. به عبارت دیگر روش مکانیزه موجب صرفه‌جویی در زمان و هزینه‌ها برای کشاورز می‌شود که سود دهی بیشتری را برای کشاورز به همراه می‌آورد. در شهرستان ماسال ۴۸ روستای زراعی برخوردار از مدیریت منابع آب کشاورزی می‌باشند و ۵۲/۱ درصد اراضی زهکشی شده‌اند (Management of Agricultural Jihad of Masal, 2016).

اعمال این سیاست‌ها به تثبیت کاربری اراضی منجر گردیده است. به طوری که از ۷۰۰۰ هکتار از اراضی شالیزاری موجود در شهرستان ماسال، ۳۶۵۳ هکتار معادل ۵۲/۱۸ درصد در ۳۹ روستا برخوردار از طرح تجهیز و نوسازی اراضی می‌باشند. طبق ماده ۱ قانون حفظ کاربری اراضی مصوب ۱۳۷۴ با اصلاحات سال ۱۳۸۵ که اعلام می‌دارد تغییر کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها در خارج از محدوده شهرها و شهرک‌ها جز در موارد ضروری ممنوع می‌باشد، عملاً از تغییر کاربری اراضی شالیزاری جلوگیری خواهد شد و تثبیت اراضی شالیزاری در روستاهای شهرستان ماسال را شاهد خواهیم بود و با اجرای طرح تجهیز و نوسازی در مابقی اراضی، می‌توان به توسعه کشاورزی و ماندگاری روستاییان در نواحی روستایی کمک نمود (Management of Agricultural Jihad of Masal, 2016).

بر اساس آمارهای موجود از میزان تولید زراعی در شهرستان ماسال، میزان تولید شلتوک در سال ۱۳۶۷، ۳۸۵۲ کیلوگرم در هکتار بوده که این مقدار در سال ۱۳۹۵ با توجه به اعمال سیاست‌گذاری‌های حمایتی به ۴۷۷۸ کیلوگرم در هکتار افزایش یافته است. در واقع طی برنامه اول تا برنامه پنجم توسعه با توجه به اقدامات زراعی انجام گرفته ۲۴ درصد افزایش داشته است.

هزینه‌های تولید نیز نسبت به روش سنتی کاهش یافته است به طوری که در روش مکانیزه کشاورز جهت انجام عملیات کاشت، داشت و برداشت برنج برای یک هکتار هزینه‌ای حدود ۵/۵۰۰/۰۰۰ تومان پرداخت می‌کند در حالی که در روش سنتی این مبلغ حدود ۲۵ درصد افزایش می‌یابد. درآمد یک هکتار شالیزار با تولید ۲۳۵۰ کیلو برنج سفید و با قیمت هر کیلو ۷۵۰۰ تومان ۱۷/۶۲۵/۰۰۰ است. بنابراین درآمد خالص هر هکتار شالیزار ۱۲/۱۲۵/۰۰۰ تومان می‌باشد. البته با توجه به سیاست‌گذاری‌های حمایتی زراعی انجام شده هزینه‌های تولید کاهش یافته است بطوری که در روش سنتی و قبل از اعمال سیاست‌گذاری‌های زراعی در شهرستان ماسال حدود ۲۵ درصد هزینه اضافی برای کشاورز به همراه داشت.

نتیجه‌گیری

با عنایت به این موضوع که اغلب جمعیت کشاورز کشور در مناطق روستایی به سر می‌برند، توجه به توسعه کشاورزی از سویی نوعی راهبرد و هدف اولیه برای توسعه روستایی محسوب می‌شود و می‌تواند از بروز بسیاری از مشکلات از جمله مهاجرت‌های روستایی به ویژه در مناطق محروم از نظر توسعه کشاورزی جلوگیری کند و از سوی دیگر توجه به مناطق محروم و اولویت قرار دادن آن‌ها در برنامه‌ریزی‌های توسعه کشاورزی، می‌تواند سبب پویایی کشاورزی در این مناطق شده و نهایتاً زمینه‌ساز رشد همراه با برابری و ثبات و تداوم توسعه ملی گردد. با توجه به آمارهای ارائه شده در ارتباط با اقدامات زراعی انجام شده در روستاهای شهرستان ماسال در بخش سیاست‌گذاری‌های حمایتی، مقدار مصرف کود شیمیایی در روستاهای زراعی بخش شاندرمن (دهستان شاندرمن و شیخ نشین)، ۹۴۷ تن در سطح ۴۰۰۰ هکتار از اراضی شالیزاری و مقدار کود مصرفی در بخش مرکزی (دهستان حومه و ماسال)، ۷۱۰ تن در سطح ۳۰۰۰ هکتار بوده است. و توزیع کود شیمیایی به خوبی انجام گرفته است. حذف یارانه کود شیمیایی که از سال ۱۳۸۹ اتفاق افتاده، در میزان مصرف آن در شهرستان ماسال تأثیری نداشته است و منجر به افزایش هزینه تولید و افزایش قیمت تمام شده محصول نیز گردیده است.

از ۷۰۰۰ هکتار از اراضی کشاورزی شهرستان ماسال، ۶۰۰ هکتار معادل ۸/۵ درصد تحت پوشش مبارزه بیولوژیک علیه ساقه خوار برنج قرار گرفته است. اعمال این فعالیت در کاهش هزینه کشاورزان از لحاظ خرید سموم شیمیایی تأثیرگذار بوده است. از ۲۳۳۰ هکتار سطح زیر کشت دوم در شهرستان ماسال، ۱۲۰۰ هکتار در بخش شاندرمن و ۱۱۳۰ هکتار در بخش مرکزی انجام گرفته است. بنابراین از مجموع ۷۰۰۰ هکتار اراضی کشاورزی شهرستان ماسال، ۲۳۳۰ هکتار با ۳۳/۳ درصد تحت کشت دوم قرار گرفته که به افزایش درآمد روستاییان کشاورز کمک نموده است. همچنین ۱۶۰۲/۸۷ هکتار با ۲۳ درصد تحت پوشش بیمه محصولات کشاورزی قرار گرفته است و ۱۵۶۸ نفر تحت پوشش بیمه محصولات کشاورزی قرار گرفته‌اند. در روستاهای زراعی که سیاست بیمه محصولات کشاورزی اعمال شده است شاهد ارتقاء سطح درآمد کشاورزان و کاهش نوسانات درآمدی برنجکاران هستیم. زیرا کشاورزان با اطمینان خاطر بیشتری به امر تولید می‌پردازند. طبق بررسی‌های به عمل آمده بیشتر اقدامات زراعی در روستاهای زراعی که در محدوده جلگه‌ای واقع شده‌اند اعمال گردیده است. همچنین با توجه به اقداماتی که در زمینه آموزش و ترویج کشاورزان انجام گرفته است، ۳۶۵۳ هکتار از اراضی شهرستان ماسال معادل ۵۲/۱۸ درصد در ۳۹ روستا طرح تجهیز و نوسازی اراضی به اجرا در آمده است و طبق ماده ۱ قانون حفظ کاربری اراضی مصوب ۱۳۷۴، تغییر کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها در خارج از محدوده شهرها و شهرک‌ها جز در موارد ضروری ممنوع می‌باشد، عملاً از تغییر کاربری اراضی شالیزاری جلوگیری شده است و تثبیت اراضی شالیزاری در روستاهای شهرستان ماسال را شاهد می‌باشیم. سطح نشاکاری مکانیزه در شهرستان ماسال در سال ۱۳۷۷ معادل ۱۰ هکتار بوده که این سطح نشاکاری در سال ۱۳۹۵ به ۵۵۰۰ هکتار رسیده است. در واقع از کل سطح زیر کشت شهرستان که ۷۰۰۰ هکتار می‌باشد، ۷۸/۵ درصد بصورت مکانیزه کشت می‌شوند. سطح برداشت مکانیزه در شهرستان ماسال در سال ۱۳۷۷، ۴۶۰ هکتار بوده که این سطح برداشت مکانیزه در سال ۱۳۹۵ به ۶۰۰۰ هکتار رسیده است. در واقع ۸۵/۷ درصد از اراضی شهرستان به صورت مکانیزه برداشت می‌شوند. در شهرستان ماسال ۴۸ روستای زراعی برخوردار از مدیریت منابع آب کشاورزی می‌باشند و ۵۲/۱ درصد اراضی زهکشی شده‌اند. میزان تولید شلتوک نیز طی برنامه اول تا برنامه پنجم توسعه با توجه به اقدامات زراعی انجام گرفته ۲۴ درصد افزایش داشته است. بنابراین بیشتر این سیاست‌گذاری‌ها در جهت افزایش درآمد و کاهش هزینه و نیز حفظ کاربری اراضی بوده است. و در واقع فعالیت‌های آموزشی - ترویجی کشاورزی در جهت بهبود وضعیت جامعه روستایی و توسعه کشاورزی حرکت نموده است.

پیشنهاداتی در ارتباط با سیاست‌گذاری‌های حمایتی زراعی شهرستان ماسال در جهت حفظ کاربری زمین، کاهش هزینه و افزایش درآمد کشاورزان به شرح ذیل بیان می‌گردد:

- با توجه به اینکه سیاست‌گذاری‌های تحقیقات، آموزش و ترویج زیربنای سایر سیاست‌گذاری‌های حمایتی زراعی است، باید سیاست‌گذاران به این مهم توجه ویژه داشته باشند.
- پیشنهاد می‌شود که به طرق مختلف بویژه از طریق رسانه‌های جمعی، اطلاعات لازم درمورد مزایای سیاست‌گذاری‌های حمایتی زراعی در اختیار روستائیان قرار گیرد.
- برنامه‌ها و سیاست‌های مناسب در جهت توسعه کشت دوم اعمال گردد.

- جهت موفقیت در سیاست‌های بیمه‌ای، باید پذیرش و تقاضای بیمه توسط کشاورزان افزایش یابد.
- پیشنهاد می‌شود با توجه به اینکه اعمال سیاست‌گذاری‌های زراعی که باعث افزایش درآمد و کاهش هزینه کشاورزان می‌گردد به طور دقیق و مناسب در تمامی روستاهای زراعی شهرستان ماسال انجام گیرد.

References

- Amar, T., & Rezaei, P. (2007). Investigating the Factors Affecting the Developments in the Agricultural System in the Rahmat Abad Village of Rudbar Township in the Decade of 1991. *Geographic Journal*, 39(61), 101-114. (In Persian)
- Amar, T., Ghorashi, M. B., & Bagheri, K. (2013). Investigating the Factors Affecting the Development of Second Crop in Shaft City, *Geographic Perspective in Human Studies*. 8(23), 89-102. (In Persian)
- Azmi, A. (2011). Review of the Current Situation and Challenges of the Agricultural Sector in Zanzan City. *Urban Ecology Research. Second Year*, 4, 31-40. (In Persian)
- Agricultural Insurance Fund of Masal. (2016). (In Persian)
- Bashagh, M. R. (2011). *An Analysis of Rural Development with an Emphasis on the Agricultural Sector (Case Study: Rural Areas of Azna Township)*. Master's Thesis, Isfahan University. (In Persian)
- Briedenhann, J., & Eugenia, W. (2004). Tourism Routes as a Tool for the Economic Development of Rural areas—vibrant hope or impossible dream? *Tourism management*, 25(1), 71-79.
- Falsaphyan, A., Ghahramanzadeh, M., & Gholami, L. (2010). Investigating the causal relationship between the growth of agricultural sector and economic growth in Iran. *Agriculture Sciences*, 4(14), 91-101. (In Persian)
- Heidari Sarban, V. (2013). Investigating the factors affecting farmers' satisfaction with employment in the agricultural sector (Case study: Meshgin City). *Geographic Perspectives in Human Studies*, 8(24), 119-103. (In Persian)
- Iranian Statistics Center. (2016). (In Persian)
- Karimzadegan, H., Gilanpoor, O., & Mirhosseini, S.A. (2006). The effect of chemical fertilizer subsidies on its non-optimal use in wheat production. *Agricultural Economics and Development*, 14(55), 121-134. (In Persian)
- Mahmoudi, A. & Pirmoradi, A.H. (2014). Investigating the Factors Affecting the Acceptance of Insurance by Smithers in Mazandaran Province case study of Babol. *Agricultural Economics and Development*, 22(86), 31-48. (In Persian)
- Management of Agricultural Jihad of Masal. (2016). (In Persian)
- Motiee Langroudi, S.H., & Shamsaee, I. (2015). *Sustainable development and agriculture (From the viewpoint of rural economics)*. Tehran: Tehran University Publishing. (In Persian)
- Motiee Langroudi, S.H., & Shamsaee, I. (2007). Rural development based on continuity and sustainability of agriculture: A case study of Sajasrood Zanzan. *Geographical Researches Quarterly Journal*, 86, 85-104. (In Persian)
- Murseli, I. (2003). *Estimation of purchase price of wheat during the years 1988-2010 and the offer of purchase in 2004. wheat survey*. Tehran: Ministry of Jihad-e-Agriculture. (In Persian)
- Naderi, M., Karim Hosseini, S. M., Kalantari, Kh., & Asadi, A. (2014). Analysis of the need for sustainable agricultural policies: A case study: The viewpoints of experts and experts in hamedan province. *Journal of Village and Development*, 17(1), 127-156. (In Persian)

- Nasimi, A. (2004). *Introduction to new politics*. Scientific and Cultural Publishing. (In Persian)
- Osko, t., Rasouli, F., & Chizari, M. (2007). Investigating the effect of participatory approach of farmer's school (FFS) on the knowledge and attitude of ruminants on biological fighting against rice stem cell worm: A case study in Mazandaran Province. *Journal of Agricultural Sciences Iran*, 38(1), 109-119. (In Persian)
- Rashid ghalam, M., & Khalilian, S. (2011). Effects of agricultural subsidies subsidy elimination on sugar beet production in the country. *Journal of Agricultural Science and Sustainable Production*, 21(2), 46-55. (In Persian)
- Rastgo, H., & Rezvanfar, A. (2007). Investigating the factors influencing the development of agricultural products strategic insurance in Khodabandeh. *Economics and Development*. 15(58), 111-134. (In Persian)
- Sadat Barikani, S.H., & Azari, A. (2012). effectiveness of agricultural support policy on rice production in Iran. *Agricultural Research and Development*, 4(15), 207-220. (In Persian)
- Sadat Moazeni, S., & Thaampour, M. (2009). Evaluation of the effect of subsidy reduction of fertilizer on agricultural production and gardening of agricultural sector. 7th Iranian Agricultural Economics Biennial Conference. Karaj. (In Persian)
- Sarrami, H. (2001). Relationship between population and security, *Journal of Geographic Research*, 16(60), 65-70. (In Persian)
- Shahbazi, I. (1993). *Rural development and promotion*. Tehran: University of Tehran. (In Persian)
- Shakouri, A. (2005). *Agricultural development policy in iran*. Tehran: Sov Publishing. (In Persian)
- Shayan, H., & Bouzarjomehri, Kh. (2010). Investigating the role of agriculture in rural development (Case study: Sistan Branch miyankngi). *Geography and Regional Development Magazine*, 8(15), 151-172. (In Persian)
- Shayan, M., & Taghdisi, A. (2016). Analysis of agricultural relationship with rural development in Zarrin Dasht, Fars, *Human Settlement Planning Studies*, 11(35), 51-66. (In Persian)
- Statistical Center of Iran. (2015). *Statistical Yearbook of Guilan Province*. (In Persian)
- Statistical Center of Iran. (2016). *Culture of the provinces of Guilan province*. (In Persian)
- Yavari, Gh. (2001). Investigating the welfare effects of wheat price policy, *Journal of Business*. 5(18), 145-168. (In Persian)

How to cite this article:

Shirzad Vezmatar, M., Amar, T., Molaee Hashjin, N., & Allahyari, M.S. (2019). Explanation the role of agronomic supportive policies in rural economic development of Masal County after the Islamic revolution. *Journal of Studies of Human Settlements Planning*, 14(1), 1-18. http://jshsp.iaurasht.ac.ir/article_665119_en.html

Explanation the Role of Agronomic Supportive Policies in Rural Economic Development of Masal County After the Islamic Revolution

Mohammad Shirzad Vezmatar

Ph.D. in Geography & Rural Planning, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran

Timur Amar*

Associate Professor of Geography & Rural Planning, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran

Nasrollah Molaee Hashjin

Professor of Geography & Rural Planning, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran

Mohammad Sadegh Allahyari

Associate Professor of Agricultural Management, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran

Received: 23 October 2017

Accepted: 05 May 2018

EXTENDED ABSTRACT

Introduction

The main function of rural areas in the Third World is agriculture, and it is important because of its particular impact on employment, poverty and income adjustment, food security and self-sufficiency. The growth of the agricultural sector is considered essential for achieving development goals in developing countries. Supportive policies are policies that the government is adopting to increase the income of a specific group of agricultural producers and food security, as well as agricultural development. Support policies in the agricultural sector have a strategic position and importance in the process of agricultural development policy. In Masal, agriculture is the most important economic activity that can be helped by correct policies and optimal utilization of existing facilities to balance and develop rural life.

Methodology

The research method used in this study is descriptive-analytic. Data and information have been collected through the library (reviewing books, reports, plans, statistical journals, maps, etc.), fields (Observation and Interviews) methods. Interviews were conducted from Dehyaran, members of the Islamic Council of Agricultural Villages and Masal Agricultural Jihad Experts. In this research, EXCEL software was used to analyze data and draw charts and ArcGIS software was used for drawing maps. The statistical population in this research is divided into two sections of all Masal villages and agronomic policies. Sampling of this research has not been done and the agronomic policies in this research have been studied in terms of indicators such as: population index, location, level of implementation, and distance or proximity to market centers.

Results and Discussion

According to the statistics presented in relation to agronomic practices in Masal village villages in the support policy area, the amount of fertilizer used in the villages of Shanderman (Shanderman and Sheikh Nishin districts), 947 tons at 4000 hectares Rice fields and fertilizer consumption in the central part (suburb and Masal) were 710 tons at 3000 hectares. And the

* Corresponding Author

Email: amar@iaurasht.ac.ir

fertilizer distribution is well done. Of the 7,000 hectares of agricultural land in Masal, 600 hectares, equivalent to 8.5 percent, are covered by a biological struggle against rice stem borer. Of the 7,000 hectares of agricultural land in the city of Masal, 2330 hectares, 33.3 percent were under second cultivation. Also, 1602 hectares, or 23 percent, are covered by agricultural insurance, and 1568 people are covered by agricultural insurance. According to the results of this study, more agricultural practices have been applied in the villages of the plain area. Also, according to the measures taken in the field of education and promotion of farmers, 3653 hectares of land in the city equivalent to 52.18% in 39 villages, land improvement and land improvement plan has been implemented. 78% are cultivated mechanically and 85.7% of the land in the city Harvesting mechanically. In Masal, 48 villages are agricultural water management.

Conclusion

Most of these policies have been designed to create employment, income, and reduce costs, as well as maintain land use. In fact, educational activities - agricultural promotion have moved to improve the situation of rural society and agricultural development. Proposals related to the agricultural support policies of Masal in order to maintain land use, reduce costs and increase farmers' income are as follows:

- Due to the fact that research, education and promotion policies are underpinned by other agronomic policies, policymakers should pay particular attention to this issue.
- Appropriate plans and policies for the development of second cultivation.
- It is suggested that the implementation of agronomic policies that increase the income and reduce the cost of farmers should be accurately and appropriately applied in all rural villages of Masal.

Keywords: Supportive Policy, Agronomic Development, Economic Developments, Villages in Masal